مطالب

[آیت‌الله حائری یزدی 1](#_Toc428258903)

[مراحل زندگی آیت‌الله حائری 2](#_Toc428258904)

[تشکر از مجریان طرح واکسیناسیون 7](#_Toc428258905)

[هفته کار و کارگر 7](#_Toc428258906)

[رسیدگی به کارگران 7](#_Toc428258907)

[توصیه ای به کارگران 7](#_Toc428258908)

[حمله آمریکا و واقعه طبس 8](#_Toc428258909)

[کینه توزی آمریکا 9](#_Toc428258910)

[کنگره صاحب تفسیر کشف الاسرار 9](#_Toc428258911)

[نکاتی برای مسئولین کنگره 9](#_Toc428258912)

[سپاس گزاری از خدا و دعا 10](#_Toc428258913)

 شخصیت شناسی ـ آیت‌الله حائری یزدی ـ کارگران ـ انقلاب اسلامی

نماز جمعه شهرستان میبد حاج‌آقای اعرافی (1/2/74)

خطبه اول

**«بسم‌الله الرحمن الرحیم نحمده علی ماکان و نستعینه من امرناعلی ما یکون،... ثم الصلاة و السلام علی سیدنا محمد و آله الاطهرین»**

همه شما برادران و خواهران گرامی و خودم را به تقوای خداوند ذکر و یاد او عمل به دستورات و واجبات الهی دوری از گناهان و معاصی سفارش و دعوت می‌کنم و از خداوند می‌خواهیم که همه ما را متوجه خودش، ذاکر خودش و بنده خالص خودش قرار بدهد.

## آیت‌الله حائری یزدی

همان‌طور که هفته گذشته اعلام شد در این خطبه به مناسبت سالگرد ارتحال عالم بزرگ و مرجع عالم تشیع و بنیان‌گذار حوزه مقدس قم و استاد بزرگوار حضرت امام (رحمه‌الله علیه) و افتخار شهر و منطقه ما مرحوم آیت‌الله‌العظمی حائری چندجمله‌ای را عرض خواهم کرد. شخصیت‌ها و علمای بزرگ افتخارات جامعه هستند و برای ما و برای عالم تشیع و اسلام مرحوم آیت‌الله‌العظمی حائری مؤسس حوزه علمیه قم افتخار بزرگی است و وظیفه ما مخصوصاً مردم این منطقه که افتخار همشهری بودن با ایشان را دارند، این است که بیشتر ایشان را بشناسیم و با شناخت بزرگان و علماء آن‌هم عالمی کم‌نظیر، مانند مرحوم حائری درس بگیریم از زندگی آن‌ها و به آن‌ها تأسی بخوریم. هفدهم ذی‌القعده سالگرد ارتحال مرحوم آیت العظمی حائری است و امسال شصتمین سالگرد رحلت این عالم بزرگ و مؤسس حوزه علمیه قم است. معمولاً من در طول حدود سه سال گذشته مقید بودم که همزمان با سالگرد ارتحال این عالم بزرگوار در خطبه اشاره‌ای به زندگی ایشان و شخصیت ایشان هرسال در یک‌قسمتی اشاره‌ای کنم که هم یاد ایشان برای ما و شهر ما زنده باشد و ان‌شاءالله این شخصیت بزرگ برای همه افراد جامعه ما الگو و اسوه باشد. ابتدا من اشاره‌ای به مراحل زندگی ایشان که سال گذشته یا سال قبلش هم گفتم اشاره‌ای می‌کنم و بعد هم چند نکته‌ای را اینجا عرض می‌کنم. یکی از طلاب میبدی که در قم است چند ماه گذشته با کمک چند نفر از طلبه‌های دیگر، کار نسبتاً مفصلی در مورد زندگی مرحوم حاج شیخ عبدالکریم کردند. چند نفر از طلبه‌های خوب میبد در قم برای بررسی زندگی ایشان یک کار نسبتاً مفصلی را انجام را دادند با علمای متعددی در حوزه قم مصاحبه‌هایی انجام دادند و نکات بسیار خوب و ارزنده‌ای در زندگی این عالم بزرگ پیدا کردند که آن برادران و آن برادر عزیزمان دارد کار می‌کند و ان‌شاءالله ظرف چند ماه آینده یک کتاب بسیار خوب در زندگی مرحوم آیت‌الله حائری مؤسس حوزه علمیه قم تدوین می‌کنند و من هم اینجا بعضی از نکات را از همان آقایان گرفتم و مقداری هم از جاهای دیگر گرفتم که اشاره‌ای به زندگی ایشان می‌کنم.

### مراحل زندگی آیت‌الله حائری

 من در سال‌های قبل عرض کردم که زندگی مرحوم آیت‌الله حائری به چند مرحله تقسیم می‌شود که اشاره‌ای به مراحل زندگی ایشان می‌کنم. بعضی‌اوقات هم قسمت‌هایی از اخلاقیات و سیاست ایشان را عرض می‌کنم. درهرحال ما فقط این نکته را باید بدانیم که شخصیت مرحوم حائری واقعاً شخصیت ممتازی است در بین علماء ماست. حالا امام که رضوان و رحمت خدا بر او باد جای خودشان را دارند، امام هم شاگرد ایشان هستند. در بین علمای اسلام افرادی مثل مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری واقعاً کم‌نظیر هستند. ایشان در همین مهجر متولد شدند، سال تولدشان دقیق معلوم نیست، از سال 1276 قمری گفته‌شده تا 1280 قمری. فرزند گرامی‌شان مرحوم آیت‌الله حاج شیخ مرتضی حائری پسر بزرگ ایشان در یادداشت‌هایشان اشاره دارند که تخمین زدند و حدس زدند که تولد ایشان 1280 قمری است، درهرحال تاریخ تولدشان دقیق معلوم نیست. در همین مهجر از مرد بزرگواری و پدر بزرگواری به نام ملا محمدجعفر متولد شدند، پدرشان هم از نیکان این منطقه و محل بوده بین 1276 تا 1280 هجری قمری در یکی از همین سال‌ها ایشان در همین میبد و مهجر متولد شدند.

 تحصیلات ابتدایی‌شان در خود اردکان و یزد بوده و تحصیلات مقدماتی چند سال‌های داشتند و بعد هم با اشاره یکی از بستگانشان که سرپرستی ایشان را داشته، ایشان به سامرا رفتند. آن زمان، زمان مرحوم شیرازی بزرگ صاحب فتوای تنباکو بوده است و مرحوم میرزای شیرازی در سامرا بودند. حضرت آیت العظمی حائری از میبد و از مهجر رفتند برای سامرا و برای ادامه تحصیل در طول سال‌هایی که در زمان مرحوم میرزای شیرازی بود. تا زمانی که مرحوم میرزای شیرازی زنده بودند، ایشان در سامرا بودند و در حوزه سامرا تحصیل می‌کردند. آنجا به‌عنوان شاگرد در خدمت مرحوم میرزای بزرگ شیرازی، میرزا محمدتقی شیرازی، سید محمد فشارکی و مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری شهید در زمان مشروطیت بودند و خدمت این اساتید که عمدتاً این چهار استاد بودند که ایشان با آن‌ها ارتباط داشته و استفاده‌های زیادی در طول سال‌هایی که در سامرا بودند از محضر این علمای بزرگ و شخصیت‌های بزرگ عالم تشیع کردند. پس مرحله اول زندگی ایشان تحصیلات مقدماتی است که در همین یزد انجام‌شده. مرحله دوم از تحصیل ایشان در سامرا بوده که زندگی علمی و اصلی شخصیتی‌شان در همان‌جاست و از محضر میرزای بزرگ شیرازی میرزا محمدتقی شیرازی حاج شیخ فضل‌الله نوری و سید محمد فشارکی از این علماء استفاده کردند.

بعد از فوت مرحوم میرزای شیرازی در سامرا ایشان از سامرا آمدند به نجف، این مرحله سوم زندگی ایشان است که مشرف به نجف اشرف شدند و در نجف در خدمت آخوند خراسانی، صاحب کفایه از علماء و مراجع بزرگ شیعه استفاده کردند و در درس ایشان شرکت می‌کردند. در خود یزد، در سامرا و بعد در نجف این مراحل تحصیلشان را ایشان گذراندند و دیگر به‌عنوان یک مجتهد بزرگ در سامرا و نجف و حوزه‌های علمیه شناخته می‌شدند. بعد از مرحوم آخوند خراسانی آن مرجع بزرگ که ایشان فوت کردند، ایشان آمدند به کربلا و یک مدت کوتاهی در حوزه کربلا بودند و آنجا دیگر خودشان استاد بودند و به مرتبه اجتهاد رسیده بودند. از سال‌های قبل هم به اجتهاد رسیده بودند، همان نوجوان که چند سال قبل از یزد و از این منطقه رفته بود، امروز در مرحله چهارم زندگی‌شان در کربلا به‌عنوان یک مدرس و مجتهد بزرگ بود که متدینین از اراک از ایشان درخواست کردند که شما بیایید اراک و حوزه اراک را احیاء کنید. اراک از سابق حوزه داشته و از ایشان هم درخواست کردند که به اراک بیایند، البته در همان نجف خیلی‌ها به ایشان می‌گفتند: شما بمانید و اگر بمانید شما مرجع اول در نجف هستید. ایشان گفتند: می‌روم به ایران، می‌خواهم آنجا خدمتی کنم به‌هرحال درخواستی از اراک آمد، آمدند اراک یک‌بار دیگر هم اراک مدت کوتاهی آمده بودند ولی این دفعه به‌صورت مفصل حدود 8 سالی در اراک بودند.

 1332 هجری قمری ایشان از عراق آمدند به اراک با دعوت مردم و علماء و متدینین آنجا و حوزه اراک را تأسیس کردند که یک حوزه بسیار آبرومندی شد. در طول حضور ایشان در اراک و تا سال 1340 قمری تقریباً 1300 یا 1301 شمسی، این 8 سال را ایشان در مرحله چهارم در اراک بودند، بعد در همان سال 1340 قمری که الآن 75 سال از آن می‌گذرد ایشان آمدند در ایام نوروز هم بوده، علماء از ایشان دعوتی کرده بودند که شما بیایید قم. ایشان هم برای آزمایشی و امتحانی آمدند قم و وارد قم که شدند، مردم قم و علمای بزرگی که در قم بودند از ایشان استقبال زیادی کردند. علمای خیلی بزرگ در قم بودند، مثل مرحوم فیض و ... که به‌صورت خیلی گرم و صمیمی مقدم این عالم بزرگ و شخصیت بزرگ را گرامی داشتند و از آن سال که از اراک تشریف آوردند و آمدند به قم، فرزند بزرگشان مرحوم آیت‌الله شیخ مرتضی حائری می‌فرماید: خیلی اهل استخاره هم نبود؛ اما مردم قم و علمای قم خیلی اصرار کردند که شما قم بمانید، ایشان هم مردد بودند؛ چون حوزه اراک را تأسیس کرده بودند و برایش زحمت‌کشیده بودند. استخاره همان آیه مربوط به حضرت یوسف آمد که **«و أتونی باهلکم اجمعین»[[1]](#footnote-1)**و خیلی آیه مناسبی بود که معنایش این بود که همه را بگویید بیایند، ایشان از همان وقت که آیه خیلی مناسبی در استخاره آمد، به شاگردان و افرادی که در اراک بودند دستور دادند و گفتند که شما بیاید قم، همه آمدند قم و همان مرحوم آیت‌الله اراکی و امام و آیت‌الله گلپایگانی خیلی از این علماء آن‌وقت بودند. این‌ها آن‌وقت به دستور استادشان آمدند قم و سال 1340 قمری و تقریباً 1300 شمسی که 73 و 74 و 75 سال قبل می‌شود ایشان آمدند قم و این مرحله پنجم و ششم زندگی ایشان است که حوزه قم تأسیس شد و ایشان حدود 15 سال در قم بودند، از 1340 قمری تا 1355 که 15 سال آخرین دوره عمر پرکت مرحوم حائری است که در قم سپری شد.

 در این دوره حوزه قم را پایه‌ریزی کردند و تحول بزرگی در قم پدید آمد و درواقع در همه عالم تشیع تحولی پدید آمد با بنیان‌گذاری حوزه بزرگ قم و در شب 17 ذی‌القعده سال 1355 قمری مرحوم آیت‌الله‌العظمی حائری این مرجع بزرگ با عمری که درراه تحصیل دین و تدریس علوم دینی و پایه‌ریزی حوزه و خون‌دل‌هایی که در طول این مدت خورده بود، عمر شریف ایشان سپری شد و با یک حال با اندوه زیاد و باغم زیاد و با آن گرفتاری‌های زمان رضاخان از دنیا رفتند. این شش مرحله زندگی مرحوم آیت‌الله حائری است که خلاصه‌اش را قبلاً هم گفته بودم، حالا به این شکل عرض کردم که بنابراین امسال 17 ذی‌القعده که چند روز قبل بود، شصتمین سالگرد ارتحال مؤسس حوزه علمیه قم و افتخار ما مرحوم آیت‌الله حائری است که ان‌شاءالله خداوند روح بزرگ او را با اولیای الهی و ائمه طاهرین محشور بفرماید و به ما توفیق شناخت این شخصیت‌ها و درس گرفتن از آنان را عنایت بفرماید.

 در مورد شخصیت ایشان من به بعضی از اظهارنظرهایی که بعضی از علماء درباره ایشان کردند، اشاره می‌کنم تا شخصیت ایشان بیشتر شناخته بشود. مرحوم حاج شیخ عباس قمی که صاحب مفاتیح است و آن را جمع‌آوری کرده و صاحب مفاتیح و کتاب‌های ارزنده دیگر است که از علماء و اوتاد و بزرگان شیعه است. خودش شخصیت بسیار بزرگی است.می‌گویند که وقتی از او سؤال کردند که چرا از مرحوم حاج شیخ عبدالکریم تقلید می‌کنی؟ در زمان ایشان علمای دیگر مثل میرزای نائینی و ... بودند، ایشان فرمودند: من در مدتی که با حاج شیخ عبدالکریم معاشرت داشتم کسی را در تقوا مانند حاج شیخ عبدالکریم ندیدم این حرف را حاج شیخ عباس قمی می‌گوید؛ یعنی کسی که خودش در آن مقام تقواست و همه علماء را هم می‌شناسد، می‌گوید: من کسی را در طول مدت‌های زیادی که معاشرت با ایشان داشتم هیچ‌کسی را در تقوا به پایه و مرتبه مرحوم حائری ندیدم. این تعبیری است که آقا شیخ عباس قمی می‌کند.

 میرزا محمدتقی شیرازی که از علمای بزرگ است و امام همیشه از ایشان خیلی تجلیل می‌کردند و از مجاهدین و علمای مجاهد است که در قضیه عراق و مقابله با انگلیس خود ایشان در مقابل لشکر انگلیس مقاومت کرد. ایشان که استاد است یک مقداری هم استاد مرحوم آقا شیخ عبدالکریم بودند، آن مرد بزرگ می‌گوید: اگر من قرار بود تقلید بکنم کسی را دیگر مثل آقا شیخ عبدالکریم پیدا نمی‌کردم و از او تقلید می‌کردم؛ یعنی هم مراتب علمی ایشان و هم مراتب تقوا و زهد و پارسایی ایشان بسیار بالا بوده. این هم باز تعبیری است که مرحوم میرزا محمدتقی شیرازی ایشان دارد. مرحوم آقابزرگ در نقباء البشر که از علمای بزرگی هستند که شرح‌حال بسیاری از علماء را نوشتند. بسیاری از تعبیرات جالب را در مورد مرحوم آقا شیخ عبدالکریم دارند که حالا من در بحث بعدی اشاره‌ای به آن می‌کنم این تعریف‌ها و کلماتی است که بزرگان در مورد ایشان داشتند.

 ایشان در تقوا و علم و ... واقعاً سرآمد بود. در علمش ایشان کتب زیادی ندارد؛ ولی شاگردان زیادی را تربیت‌کرده و همان چند کتابی که دارد در فقه و اصول خیلی خلاصه است؛ اما خیلی پرمحتواست. ایشان در فقه و اصول چند کتاب بیشتر ندارند. تعداد کتابشان زیاد نیست؛ ولی همین کتاب‌هایی که دارند بسیار پرمحتواست و خلاصه و گزیده نوشته‌شده و اثر علمی ایشان هم غیر از کتاب‌هایی که دارند، شاگردان بزرگی است که دارند. واقعاً شاید کمتر کسی باشد که این‌جور از شاگردان او چندین مرجع بزرگ پیداشده است، نظیر حضرت امام و آیت‌الله اراکی و آیت‌الله گلپایگانی و مراجع دیگر، خیلی‌ها از شاگردان ایشان بودند. این در بعد علمی ایشان. آثار قلمی‌شان ولو این‌که زیاد نیست؛ اما خیلی بالاست و سطح بالایی دارد. هم از حیث شاگرد شاگردان مبرز و برجسته‌ای را تحویل عالم اسلام و تشیع داد که تا آخر خدمات و آثار ایشان باقی است و ازنظر تقوا هم همین‌طور، ایشان فوق‌العاده پارسا و باتقوا بودند. اهل تشریفات بیجا و تعارف نبودند. خیلی حال خودمانی و صمیمی داشتند و روحیات بسیار خوبی که ایشان داشتند واقعاً روحیات کم‌نظیری بوده است.

 در جنبه سیاسی‌اش هم‌سال گذشته یادم هست که همین‌جا اشاره‌ای به زندگی سیاسی ایشان کردم، الآن هم بعضی نکات را اضافه می‌کنم. من پارسال همین‌جا اشاره کردم، با توجه به این مقدماتی که عرض شد، گفتم: در بعد سیاسی واقعاً مرحوم آیت‌الله حائری یک کار بسیار بزرگی کرد که دیگر مثل آن واقعاً نمی‌شود پیدا کرد و آن تأسیس قم و پای ریزی حوزه قم و حفظ اسلام در زمان رضاخان بود. در زمان قساوت، بی‌رحمی، کشتار و خونریزی رضاخان، ایشان این کار عظیم را کرد و حوزه را پایه‌ریزی کرد. این را من آن‌وقت گفته بودم و برای من همیشه یک سؤال بود که آیا امام هم در جمله‌ای کار سیاست سکوت ایشان و پایه‌ریزی حوزه را تأیید کردند یا نه؟ امام حدود سه جمله در مورد ایشان دارند که من اینجا می‌خوانم. امام در یکجایی می‌فرمایند: در بزرگی آیت‌الله حائری همین بس که توانست در آن زمان سخت که رضاخان تصمیم داشت حوزه و روحانیت را نابود کند، حوزه‌ها را حفظ کرد و این امانت را به ما داد تا به دیگران رد کنیم. این شهادت و گواهی است که امام، آن مرد سیاسی بزرگ قرن در مورد استادشان می‌دهند، حرف کمی نیست. از این بالاتر جمله دیگری است که امام این‌طور می‌فرمایند: اگر مرحوم حاج شیخ در حال حاضر زنده بودند، کاری را انجام می‌دادند که من انجام دادم، اگر ایشان زمان من بودند همین کار و انقلاب را پایه‌ریزی می‌کردند؛ یعنی آن‌وقت بر اساس وظیفه الهی‌شان آن سیاست صبر، سکوت و تحمل در مقابل رضاخان را انتخاب کرد؛ برای این‌که پایه حوزه را محکم بکند و اساس اسلام و تشیع را حفظ کند و تأسیس حوزه علمیه در ایران آن روز از جهت سیاسی کمتر از تأسیس جمهوری اسلامی در ایران امروز نبود. این تعبیرات خیلی مهمی است که امام در مورد ایشان دارند. در همین کاری که عرض کردم چند نفر از طلبه‌ها در مورد زندگی ایشان کردند، خیلی نکات خوبی در مصاحبه باشخصیت‌ها در قم پیدا شد. این سؤال بود که کاری که حاج شیخ عبدالکریم در زمان خودش انجام داد، این بهترین کاری بود که می‌شد کسی بکند در آن قساوت و خونریزی رضاخانی که همه مرجعیت ایشان هم در همان زمان رضاخان است یا خیر؟ رضاخان از 1299 در ایران پیدا شد تا شهریور 1320 که 21 سال رضاخان در قدرت بود. چند سالی‌اش نخست‌وزیر بود بعد هم 1304 تاج پادشاهی را به سر گذاشت و اعلام سلطنت خودش را شروع کرد و مخصوصاً از 1304 تا 1320 و مخصوصاً از 1310 به بعد دیگر رضاخان نقشه‌های خودش را پیاده کرد، نقشه‌های رضاخان چیزهای کمی نبود، نقشه‌های رضاخان تغییر فرهنگ ایران بود و ممنوع کردن روضه‌خوانی و مجالس وعظ یاد امام حسین (ع) و همه مظاهر دین را ممنوع کرد و آخرینش هم همان کاری بود که حجاب را غدغن کردن و به دنبال آن قضیه گوهرشاد پدید آمد. مرحوم مدرس را رضاخان شهید کرد. حاج‌آقا نورالله اصفهانی را ایشان ظاهراً شهید کرد و حرکت ایشان را سرکوب کرد. مرحوم حاج شیخ محمدتقی بافقی را او تبعید کرد و در زمان رضاخان در این 21 سال که حدود پنج سالش نخست‌وزیر بود و بقیه‌اش هم شاه بود، در طول این بیست‌وچند سال مخصوصاً آن حدود پانزده سال پادشاهی‌اش دیگر هر چه شما بگویید از نقشه بر ضد ملیت ایرانی و بر ضد اسلام انجام داد. در اینجا مظاهر اسلام از روحانیت، از حوزه‌ها، از حجاب، از ملیت مردم هرچه شما تصور بکنید، انجام داد و این‌ها را سعی کرد از بین ببرد. شخصیت‌های بزرگی را مثل مدرس شهید کرد، نهضت‌های مهمی را در آن زمان از بین برد، علمای بزرگی را خانه‌نشین کرد، شخصیت‌های بزرگی را تبعید کرد و وضعی را بر سر این کشور آورد که دیگر می‌خواست آثاری از دین باقی نباشد. این زمان رضاخان بود؛ یعنی ما فقط چیزی می‌گوییم، نمی‌توانیم عمق فاجعه و جنایات زمان رضاخان را درک کنیم. پانزده سال مرجعیت عامه ایشان و آن هشت سالی هم که در اراک بودند، حال آن کمتر، این پانزده سال درست در اوج قدرت رضاخان است که اصلاً لباس روحانیت را ممنوع کرده بود و قرار این بود که دیگر هیچ حوزه‌ای باقی نماند تا همه شهرها مدارس علمیه به‌صورت اسطبل‌ها و کاروانسراها درآمده بود، لباس‌ها را برداشته بودند و روضه‌ها و مجالس وعظ را غدغن کرده بودند، هرچه شما اثر از این بگویید این را غدغن کرده و حجاب هم را از سر ملت، خواهرها و خانم‌ها برداشته بودند. این وضع آن‌هم با آن شدت و حدت رضاخان، آن‌هم با آن پشتیبانی که انگلیس از او می‌کرد و آن‌هم در دوره بعد از مشروطه که خیلی از علماء مأیوس شده بودند و نهضت مشروطه شده بود و حزب الهی‌ها، انسان‌های متعهد، متدین و روحانیت این‌ها کار را کرده بودند و بعد همه این‌ها را کنار زده بودند. این وضع یأسی که بر جامعه آن روز حاکم بود آن فشاری که روی مردم متدین روی مظاهر اسلام روی حجاب بود و آن بی‌رحمی و قساوت کم‌نظیر رضاخان این وضع آن‌وقت بود. مرحوم حاج شیخ عبدالکریم در آن زمان حوزه قم را پایه‌ریزی کرد و سیاستش هم سیاستی بود که نتیجه داد و آن جمله‌های امام و بزرگان هم در مورد ایشان شنیدید. بعد در طول این مدتی که این برادرها در قم با علماء مصاحبه کردند، نکاتی پیدا شد که واقعاً نشان می‌دهد که مرحوم حاج شیخ عبدالکریم جوری نشان داد که من سیاسی نیستم؛ ولی بزرگ‌ترین کار سیاسی زمان خودش را کرد، این خیلی هنر است و متأسفانه فرصت نیست که بیش از این بحث را ادامه بدهم. باید یک جلسه دیگر صحبت بکنم؛ ولی حدود دو نکته اشاره می‌کنم اگر دیدم زمینه‌ای بود، یک جلسه دیگر هم در همین زمینه صحبت می‌کنم. ایشان هنرش این بود که ناامیدی‌ها، یأس‌ها، سرکوب‌ها، اختلاف‌ها و کنار رفتن علماء، از بین بردن مظاهر دین و در عصر ظلمانی رضاخان پایه حوزه قم و اساس تشیع را هم‌ریخت و هم حفظ کرد، یک‌جوری که گویا دشمن هم از او گول‌خورده یعنی...

 من به یک‌جمله‌ای که آیت‌الله بهبهانی که از رجال و علمای سیاسی بوده که در تهران بوده که نقل‌شده از حاج‌آقا موسی زنجانی از علمای قم که ایشان می‌گفتند: ایشان هر وقت در مسائل سیاسی احتیاجی به مشاوره داشتند، این آقای بهبهانی را که از علمای سیاسی تهران بوده را احضار می‌کردند و با او مشورت می‌کردند. این آیت‌الله بهبهانی در مورد حاج شیخ جمله‌ای دارد که خیلی جمله عجیبی است که هم همه مراتب شخصیت ایشان را نشان می‌دهد. این آقا در مورد حاج شیخ این‌طور می‌گوید که حاج شیخ ازنظر علمی خیلی در سطح بالابود، بالاتر از علمش تقوای اوست و بالاتر از تقوای او اخلاق او بود و بالاتر از اخلاق او علم او بود و عقل او بود، منظور عقل سیاسی‌اش است؛ یعنی این‌قدر ازنظر در همه ابعاد واقعاً هم بعد علمی؛ هم بعد تقوایی؛ هم بعد عقل و درک سیاسی شواهد دیگری هم هست که ان‌شاءالله در یک‌وقت دیگر عرض می‌کنم. از مجموع این‌ها فهمیده می‌شود که مرحوم حاج شیخ همان شخصیت بزرگی که آن‌قدر صمیمی بود، مهربان بود، اخلاق خوب را داشت و با آن وضع ساده زندگی می‌کرد و آن ویژگی‌ها را داشت. در کنار این‌ها از سیاست و درایت فوق‌العاده‌ای برخوردار بود و مهم‌ترین کار را در این حدود دو قرن اخیر برای اسلام و تشیع ایشان انجام داد. این شخصیت والای ایشان است که بخش دیگرش را ان‌شاءالله یک‌وقت دیگر عرض می‌کنم. این شخصیت والا برای ما و برای جهان اسلام و برای جهان تشیع و برای ما که از منطقه ماست، افتخار است و وظیفه ما شناخت این شخصیت‌ها و تجلیل از آن‌ها و تأسی به آن‌ها است. ان‌شاءالله که خداوند به همه ما توفیق شناخت وظیفه و عمل به آن را عنایت بفرماید.

**«بسم‌الله الرحمن الرحیم انا اعطیناک الکوثر فصلّ لربک و انحر انّ شانئک هو الابتر»[[2]](#footnote-2)**

خطبه دوم

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الأمجد ابی‌القاسم محمد (ص) و علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)، حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک، ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»[[3]](#footnote-3)عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

همه شما خواهران و برادران گرامی و خودم را به تقوای خداوند و ذکر و یاد خداوند شکر و سپاس بر نعمت‌های بیکران او و صبر بر سختی‌ها و ذکر و یاد همیشگی او سفارش و دعوت می‌کنم. خداوندا! به همه ما توفیق معرفت خودت، محبت خودت و اطاعت خودت را عنایت بفرما.

## تشکر از مجریان طرح واکسیناسیون

 چند نکته هست که در فرصت کوتاهی که هرچند خطبه اول طول کشید اشاره به آن‌ها لازم است. ابتدا لازم است که از همه برادران و خواهران بسیجی و بهداری که طرح واکسیناسیون را به‌صورت خوب و موفقیت‌آمیز اجرا کردند و از سال گذشته تا به امسال هم این‌طور که آمار دادند، فلج در اطفال زیر 5 سال نبوده باید تشکر بکنم و امیدواریم که خداوند به همه خدمتگزاران به جامعه و خدمتگزاران به مردم ان‌شاءالله توفیق بیشتر عنایت بفرماید و به همه متصدیان و مسئولین و کسانی که وظیفه‌شان خدمت به مردم است ان‌شاءالله احساس مسئولیت و تعهد و اجر عنایت بفرماید.

## هفته کار و کارگر

هم‌چنین لازم است که اشاره‌ای بکنم به این‌که از 5 تا 11 اردیبهشت هفته کار و کارگر است و روز 11 اردیبهشت روز جهانی کارگر است که ما هفته کار و کارگر را گرامی می‌داریم و همین‌جا لازم هست که عرض بکنم که واحدهای صنعتی و کسانی که کارخانه‌دارند و در مراکز صنعتی را در اختیاردارند، واقعاً باید بر اساس دستورات دینی و الهی و بر اساس وجدان انسانی‌شان همیشه متوجه کارگرانشان باشند و تا جایی که برایشان امکان دارد، رسیدگی کنند.

### رسیدگی به کارگران

 واحدهای کوچک و بزرگ صنعتی و مکان‌هایی که کارگر و کارمندی دارند واقعاً باید ارزش و مقام انسانی کارگرانشان را بدانند و حقوق اقتصادی کارگرانشان و کسانی که زیر نظر آن‌ها کار می‌کنند را باید حفظ کنند و بدانند که در همین دنیا هم اگر بخواهد وجدانشان راحت باشد و خیری از خودشان و مالشان و ثروتشان ببینند، قبل از هر چیز باید حقوق الهی‌شان را ادا کنند و وجوهات و سهمینشان را بدهند و قبل از هر چیز باید به کارگرانشان برسند و این امور واجب، رسیدگی به کارگرانشان، دادن حق واقعی‌ آن‌ها و رسیدگی در قسمت‌های مختلف رفاهی تا حدی که برایشان امکان دارد است که واقعاً وظیفه‌شان است، همان‌طور که حقوق الهی‌شان را باید بدهند حقوق افراد را و کارگرانشان را باید ادا کنند و مطمئن هم باشند که این‌جور رسیدگی و توجه هم در دنیا برکت دارد و هم در آخرت ثواب دارد و اگر خدای‌ناکرده بنای بر بی‌توجهی باشد خودش در دنیا و آخرت برایشان مشکلات دارد. ان‌شاءالله که آن‌هایی که دست اندکار واحدهای صنعتی هستند توجه به کارگرانشان را و کسانی که زیردست آن‌ها و زیر نظر آن‌ها کار می‌کنند را فراموش نکنند.

### توصیه‌ای به کارگران

 من ضمن تبریک این هفته کارگر به آن‌ها، به آن‌ها هم‌عرض می‌کنم که شما هم باید در کنار دیگر افراد جامعه کار بکنید برای استقلال، پیشرفت و توسعه کشور، کشور ما نیاز به کار و تلاش دارد. من هفته گذشته به‌صورت مفصل در مورد سیاست‌های اقتصادی صحبت کردم و عرض کردم نقاط قوتی در برنامه‌ها وجود دارد و اساس پیشرفت یک کشور هم این است که ما اهل تحمل و مقاومت باشیم و اهل کار باشیم. در دنیای امروز، ما باید روی صنعت،اقتصاد و علم و تحصیلاتمان کارکنیم و همه افراد جامعه را بالا ببریم، باید مسلمان‌ها در کارخانه هستند، برای رضای خدا، برای تحکیم پایه‌های اسلام و نظام اسلامی و حفظ عزت و اقتدار، کار بکنند، درست‌کار بکنند، سطح تولید کماً و کیفاً پایین نیاید و آن‌هایی هم که در بخش‌های دیگر هستند همین‌طور. واقعاً ما جامعه همه به‌هم‌پیوسته‌ایم و هرکدام درجایی خیانتی خدایی تاکرده بکنیم، کم‌کاری بکنیم، بی‌توجهی و بی تعهدی داشته باشیم روی بخش‌های دیگر جامعه اثر می‌گذارد؛ چون یک مجموعه به‌هم‌پیوسته است، باید همه کارکنیم و با تعهد و احساس مسئولیت هم کارکنیم و اگر نیتمان را هم برای خدا کنیم در همان کار معمول زندگی‌مان هم می‌توانیم ثواب ببریم. خدا این لطف را کرده حتی زندگی عادی را می‌شود برای خدا قرارداد و در جهت خدا قرارداد.

## حمله آمریکا و واقعه طبس

نکته دیگر این‌که روز 5 اردیبهشت سالگرد شهادت شهید منتظر قائم و حمله نظامی آمریکا به ایران است در صحرای طبس که این خاطره را و شکست سپاه کفر و جنود شیطان و لشکر آمریکا را گرامی می‌داریم و فراموش نمی‌کنیم که این دست قدرت الهی بود که در صحرای طبس در شب هنگامی‌که همه مردم ایران خواب بودند و کسی اطلاع از حمله دشمن به کشور ما نداشت، کسی اطلاع از آن نقشه‌هایی که کشیده بودند برای پیاده کردن نیرو در تهران و در نقاط دیگر کشور نداشت به خاطر آن ایمانی که در شما بود، به خاطر فداکاری و مجاهدتی که خدا از شما دیده بود، این‌جور خداوند کمک غیبی کرد و بدانید کمک از خداست **« للّه جنود السموات و الارض»[[4]](#footnote-4)** همه لشکرهای آسمان و زمین دست خداست و همه موجودات لشکر خدایند و اگر ما وصل به خدا شدیم و لو این‌که سختی هم در اینجا ببینیم آرام هستیم. باید باخدا رابطه داشت، باید باخدا طرح دوستی افکند و باید به پیشگاه خدا سجده کرد و متواضع و فروتن بود که اگر رابطه ما و ملت ما باخدا خوب بود خدا پشتیبانی خواهد کرد. اگر سختی‌ها را به‌عنوان آزمایش‌ها تلقی بکنیم همان‌طور که در صدر اسلام بارها دست غیبی خدا و اعجاز الهی پیدا شد، در جنگ‌های مختلف از جنگ بدر و جنگ احد و جنگ خیبر و جریان‌های مختلف دست غیبی خدا آمد و اعجاز الهی رخ نشان داد و مسلمین را پیروز کرد و دفع دشمنانشان کرد، در عصر ما هم همین بود، انقلاب ما انقلابی نبود که با معیارهای عالی قابل پیروزی باشد، با معیارهای معمولی سیاست‌های رایج قابل بقاء باشد، این انقلاب با آن دشمن‌ها و با این حیله‌هایی که همین امروز هم هست، این دست خدا بود که حفظش کرد تا وقتی هم که این ملت با آن افتخاراتی که از شهداء و ایثارها و جانبازان و آزادگان و بسیجیان و مفقودان و خانواده‌های معظم آن‌ها داشتند تا این دست و این ایمان و صلابت باشد خدا هم کمک خواهد کرد و باید مطمئن به پشتیبانی خدا بود و از مهم‌ترین مظاهر اعجاز الهی واقعه طبس بود.

 شب ملت خوابیده بودند و کسی اطلاعی از این نقشه‌ها نداشت. آن‌ها با پیشرفته‌ترین تجهیزات و حتی با هماهنگی‌هایی که احتمالاً با منافقین و مزدوران داخلی و بدصفت‌های داخلی داشتند، به کشور ما حمله کردند و خدا خواست که در صحرای طبس درحالی‌که هیچ‌کس خبر نداشت یک ابرقدرت بزرگ جهان باآن‌همه تسلیحات، باآن‌همه تجهیزات، باآن‌همه هماهنگی‌ها و این‌طرف هم این ملت بدون این‌که در مقابل آن‌ها به‌حسب ظاهر چیزی داشته باشد، دست خدا پیدا شد و در صحرای طبس با آن طوفان همه آن ابزارهایشان از کار افتاد که گاهی انسان فکر می‌کند که آنی که شنیده در مورد زمان آخرالزمان که می‌گویند: همه صداها از کار می‌افتد، همین است. **«لله جنود السموات و الارض»[[5]](#footnote-5)** اگر اراده لایزال الهی در کارآمد، اگر پشتیبانی خدا به میدان آمد همه قدرت‌ها باید خود را کنار بکشند و هیچ‌اند در مقابل قدرت خدا و یک نمونه آن صحرای طبس است و نمونه‌های دیگری که حالا این از نمونه‌های مهمش بود. واقعاً این‌جور بود و البته این شهید بزرگوار در همین جریان به شهادت رسیدند بعد برای این‌که اسناد آن جریان فاش نشود، بنی‌صدر و منافقین با آمریکا همکاری کردند و آن‌ها را از بین بردند؛ ولی این قدرت خدا خود را در آن شب در بیابان طبس نشان داد. ما خاطره آن روز را گرامی می‌داریم و برای روح همه شهدا، روح امام و روح آن شهید بزرگوار طلب علو درجات داریم و امروز هم این حادثه برای ما درس است و برای ملت ما که اگر ما خدایی باشیم، خدا با ماست و اگر وصل به خدا بشویم و اگر دست به دامن خدا بزنیم، خدا ما را پشتیبانی خواهد کرد.

### کینه‌توزی آمریکا

امتحان و آزمایش و صحنه‌های امتحان هرگز تمام نخواهد شد و امروز هم هیچ فرقی نکرده با همان وقتی‌که طراحان کاخ سفید برای حمله به ایران برنامه ریختند و حتی زمان جنگ با امروز هیچ فرقی نکرده و ذره‌ای از کینه و کینه‌توزی و خباثت ذاتی طراحان و سیاستمداران آمریکا نسبت به ایران کم نشده و جریانات اخیرش هم را هفته قبل عرض کردم که می‌بینیم که الآن هم همان کینه‌ها را دل دارند و ما از آن کینه‌ها نمی‌ترسیم. این ملت استوار است، این ملت مقاوم است این ملت در برابر دشمنان اسلام ملتی است که سال‌ها و قرن‌ها زحمت کشیدند و از اسلامشان و دینشان دفاع می‌کنند و مطمئن باشند که آمریکایی‌ها با حرف‌ها و یاوه‌گویی‌های اخیرشان در نسبت به ایران هیچ کاری نمی‌توانند بکنند، این ملت شهید داده و هنوز هم که هنوز است فرزندان این ملت و جوان‌های این ملت هنوز هم که هنوز است اگر خطری از ناحیه آمریکا پدید بیاید، مسئولین این کشور، جوان‌های این کشور و اکثریت قاطع این کشور در برابر آمریکا خواهند ایستاد و شکست هم نخواهند خورد.

## کنگره صاحب تفسیر کشف‌الاسرار

 نکته آخر این‌که همان‌طور که آن هفته هم اشاره کردم در هفته آینده آن کنگره بزرگداشت مفسر قرآن صاحب تفسیر کشف‌الاسرار در این شهر برگزار می‌شود که وزارت ارشاد با همکاری دانشگاه برگزار می‌کند و افرادی هم در این قضیه زحمت کشیدند ان‌شاءالله خدا به آن‌ها توفیق بدهد و نیت خالص عنایت کند. من ضمن تأکید مجدد بر این‌که باید از میهمان‌ها به‌صورت خوب و درست پذیرایی بشود و تأکید بر این‌که ان‌شاءالله کنگره به‌صورت خوب برگزار شود.

### نکاتی برای مسئولین کنگره

 چند نکته را برای متصدیان و مسئولینی که این کنگره را برگزار می‌کنند به‌عنوان یادآوری عرض می‌کنم، اگرچه قبلاً هم گفتم. یکی این‌که ان‌شاءالله همراه با کنگره موازین شرعی و معیارها و آداب شرعی در فضای کنگره و پیرامون کنگره ان‌شاءالله حفظ بشود و ان‌شاءالله کار به دست افراد صالح و با موازین شرعی انجام بشود.

#### عدم اسراف در کنگره

 نکته دیگر ان‌شاءالله در اموری که هست اسراف و ریخت‌وپاش بیجا نشود و بر اساس پیام امسال که مقام معظم رهبری فرمودند: سال نظم اقتصادی و رعایت صرفه‌جویی است به حد معقول ان‌شاءالله رعایت صرفه‌جویی‌ها بشود؛ البته آن‌کارهای عمرانی که آن هفته هم عرض کردم در شهر برای همه شهر و مردم انجام بشود، آن جای خودش را دارد؛ اما در مسائل دیگر ان‌شاءالله رعایت صرفه‌جویی، موازین شرعی و معیارهای انقلابی ان‌شاءالله بشود و ان‌شاءالله که وزارت ارشاد و آن‌کسانی که متصدی این کنگره بودند، تصمیم جدی داشته باشند بر این‌که کنگره‌های دیگری هم در سطح استان برای شخصیت‌های والای دیگر مثل مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری و مثل مرحوم سید یزدی و مرحوم داماد و شخصیت‌های بزرگ و فقهای عظیمی که این استان داشته ان‌شاءالله در آینده هم برای آن شخصیت‌ها به نحو درستی برگزار بشود. این انتظاری است که مردم‌دارند مخصوصاً در مورد حاج شیخ عبدالکریم حائری که مطرح هم شده و انتظار می‌رود که با برنامه‌ریزی درست ان‌شاءالله برای ایشان هم کنگره‌ای برگزار بشود.

 ان‌شاءالله که این کنگره منشأ این بشود که این تفسیر بیشتر شناخته بشود و نقاط قوتش شناخته بشود و اگر اشکالاتی دارد مطرح بشود و درمجموع آشنایی باشخصیت‌ها و افتخارات دنیای اسلام چیز ارزشمندی است که ان‌شاءالله به‌تدریج انجام می‌شود و البته از حوزه هم علمای بزرگی در شهر تشریف می‌آورند و در کنگره شرکت می‌کنند که ان‌شاءالله درست تجلیل و برداشت بشود به نحو انسانی و همراه باصرفه جویی. امیدواریم که همه‌کسانی که برای اعتلای اسلام و فرهنگ اسلام و معنویت جامعه کار می‌کنند ان‌شاءالله موفق باشند و همه ما بتوانیم درراه خدا و برای اعلای کلمه‌الله قدم برداریم.

## سپاس‌گزاری از خدا و دعا

 در پایان باید خدا را سپاس و شکرگزاریم بر نعمت‌های بیکرانش و بر باران رحمتش که بر این استان و بر این ناحیه کویری از کشور بارید. ان‌شاءالله خداوند بر همه ما منت گذاشت. خدایا! ما نمازگزاران جمعه در روز جمعه و قبل از اقامه نماز در درگاه تو اظهار خضوع و خشوع می‌کنیم و با همه وجودمان از مقام کبریایی تو اظهار سپاس و شکر می‌کنیم. ان‌شاءالله که بازهم خداوند رحمت و برکت و خیر و برکات مادی و معنوی‌اش را و باران رحمتش را بر ما فرو بفرستد. خدایا! ما را از رحمت خودت دور مدار، ما را موفق به انجام وظایفمان بفرما، خدایا! اموات و گذشتگان ما را، شهدای ما را، امام عزیز و یادگار گرامی او را که در آستانه چهلم یادگار گرامی امام هم هستیم، خدایا! این شهدا و همه علماء و مخصوصاً مرحوم آیت العظمی حائری را در جوار رحمت واسعه خودت جای بده و سلام‌های خالصانه ما را به محضر اولیای خودت به‌ویژه حضرت بقیه‌الله الاعظم ابلاغ بفرما.

**«بسم‌الله الرحمن الرحیم قل هو الله احد، الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد»[[6]](#footnote-6)**

1. . يوسف : 93 [↑](#footnote-ref-1)
2. . قرآن کریم، سوره کوثر [↑](#footnote-ref-2)
3. سوره آل‌عمران، آیه 102. [↑](#footnote-ref-3)
4. . الفتح، آیه 7 [↑](#footnote-ref-4)
5. . همان [↑](#footnote-ref-5)
6. . قرآن کریم، سوره توحید [↑](#footnote-ref-6)